

کاهش تمایل زنان امروز به فرزندآوری

افزایش شدت احساس فقر و تجمل گرایی در زنان امروز و همچنین فردگرایی یعنی تنها توجه به خواسته های خود سبب روی آوردن آنها به الگوی اشتغال تمام وقت شده و این گرایش موجب می گردد که مضرات این الگوی رفتاری که در تمام دنیا شامل زنان شده، شامل زنان ایرانی هم شود.

کد خبر: ۳۸۰۷

تاریخ: ۱۹ بهمن ۱۳۹۰ - ۱۴:۵۷

مطالعات انجام شده در مورد روند باروری در کشور بیانگر این موضوع است که باروری در کل کشور از سال 64 به بعد شروع به کاهش نموده وازاواخر دهه 60 سرعت چشمگیری پیدا کرده است.

به گزارش مهرخانه، بعد از بررسی های انجام شده، اقتصاد، توسعه، مدرنیزاسیون و فرهنگ جزء عوامل مؤثر در کاهش باروری در کشور اعلام شده است. آنچه مسلم است کاهش باروری، علاوه بر آنکه ساختار جمعیتی هرکشور را تحت تأثیر قرار می دهد، پیامدها و عوارض جانبی دیگری را نیز به دنبال دارد. (1) در این گزارش تلاش شده است به برخی از علل کاهش تمایل زنان در فرزندآوری پرداخته شود.

جستجوی هویت زنانه در جایی خارج از خانه

یکی دیگر از دلایل عدم تمایل زنان برای فرزندآوری می تواند تغییر هویت آنها باشد، در واقع زنان امروز هویت زنانه خود را در جایی خارج از خانه جستجو می کنند و برخی از محققان و اندیشمندان این حوزه کاهش فرزندآوری را بهایی برای کسب مهارت های اجتماعی مثل میزان تحصیلات، شغل و درآمد می دانند که البته برخی دیگر از صاحب نظران معتقدند نباید بدین شدت به این مسئله پرداخت و آن را به طور قطع عنوان کرد گرچه قابل انکار هم نیست.

مریم یک نمونه از هزاران زنی ست که فرزندآوری را مانع ادامه موفقیت خود می داند و معتقد است هویت یک زن در دنیای امروز نه با فرزند داشتن بلکه با میزان تحصیلات، شغل و حرفه مناسب است که تداعی می یابد.

سحر 27 ساله و کارشناس تغذیه است، او که پس از سه سال ازدواج صاحب فرزند شده است از مادر شدن خود خوشحال نیست. از او درباره علت این احساسش پرسیدم و سحر عنوان کرد: قبل از به دنیا آمدن فرزندم، شاغل بودم، برای به دنیا آوردنش به اجبار مرخصی گرفتم و در نهایت هم مرخصی ام به استعفا تبدیل شد. او ادامه می دهد: مادر شدن، مرا به يك زن خانه دار تبدیل کرد، نقشی که همیشه از پذیرفتنش متنفر بودم، دلم می خواست می توانستم کار کنم و در جامعه فعال باشم اما مادر شدن تنها فرصت کار و حضور اجتماعی را از من گرفت.

در واقع آنچه که ما به ویژه در دهه اخیر شاهدش هستیم تحول در نگاه زنان نسبت به خود و نقش مادریشان است. هویت زنان امروز دیگر با مفهوم مادری و فرزندآوری تداعی نمی شود. البته به گفته پژوهشگران و محققان این حوزه بی علاقگی زنان و دختران جوان به تجربه مادری را می توان در تعریف های مختلف درباره مادری و ارزش و اهمیت آن جست و جو کرد.

البته برداشت های متداول مربوط به مادری بیانگر نگرشی ست که در آن تمام امور فرزندان، متوجه زنان و

هویت زنان را وابسته به تجربه مادری می‌داند. اما نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که تجربه مادری، وابستگی عمیقی به دیدگاه‌ها و تجربه‌های شخصی هر فرد دارد، این تجربه برای بسیاری از زنان سرشار از شادی، احساس رضایت و نشانه‌ای از پختگی، توانمندی و مسوولیت‌پذیری است.

دکتر مریم رفعت جاه جامعه شناس نیز در خصوص جستجوی هویت زنان در خارج از خانه، معتقد است: به گمان من نیز این اتفاق در جامعه امروز رخ داده اما نه به این شدتی که عنوان می‌گردد. طبق تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته ازدواج، مادری و همسرمداری همچنان برای زن و دختر ایرانی قابل اهمیت است، اما آنچه که تغییر کرده از یک سو نگاه به مادری ست وازسوی دیگرعدم حمایت های قانونی واجتماعی از زنان است که منجر می گردد زنان هویت و شخصیت خود را تاحدودی خارج از خانه جستجو کنند.

رفعت جاه افزود: امروزه مادران تنها به دنبال کمیت در خانواده نیستند یعنی تعداد زیاد فرزندان هدف نیست بلکه کیفیت نگهداری، آموزش وپرورش فرزندان است که اهمیت دارد. از طرف دیگر نیز زنان امروز این پتانسیل را دارند که در کنار نقش مادری و فرزندآوری خود خارج از خانه هم مشغول فعالیت باشند گرچه نمی توان انکار کرد که در دنیای امروز نگرش ها تغییر یافته و زنان به دنبال استقلال مالی و شخصیتی خود نیزهستند.

وی ادامه داد: اینکه زنان به دنبال استقلال هویتی و یا مالی خود هستند مطمئناً می تواند در کاهش فرزندآوری آنها اثرگذار باشد اما نباید فراموش کرد که تمام ارزش های نو بد نیستند و با وجود محترم بودن تمام ارزشهای سنتی در خصوص بعضی از آنها باید تجدیدنظر کرد، مثل حضور زن در خارج از خانه چراکه اشتغال زنان جامعه را نیز بهره مند می کند.

عوامل اجتماعی مؤثر درکاهش فرزندآوری زنان

جدای از میل به داشتن فرزند برای بقای نسل، حب به فرزند و والدین شدن نیز یکی از دلایلی ست که افراد را به سمت تشکیل خانواده سوق می‌دهد اما درچند سال اخیر فرزند آوری که پدیده‌ای جدایی ناپذیرازازدواج بوده، تبدیل به پدیده ای شده که زنان در انتخاب آن دچار تردید هستند.

عدم حمایت های اجتماعی از زنان

نکته قابل توجه دیگری که می توان به آن پرداخت عدم حمایت های اجتماعی از زنانی ست که به دلایل گوناگون امکان نگهداری فرزندشان را در کل ساعات شبانه روز ندارند، که عمده ترین دلیل آن اشتغال است.

اشتغال زنان، زمینه و مقدمه ای برای حضور اجتماعی آنان است و آثار اجتماعی این امر، دامنه وسیعی را در برمی گیرد. ضمن این که امروزه، اشتغال زنان به عنوان یکی از عوامل تحقق توسعه پایدار و همه جانبه تلقی می گردد.

همین امر موجب می گردد برخی دختران و پسران داشتن فرزند را عاملی برای محدود شدن می‌دانند و این تفکر جز با حمایت های اجتماعی قابل اصلاح نیست، چراکه مطمئناً وجود این حمایت ها شرایط فرزندآوری را برای زنان و مردان فراهم کرده و این اطمینان را در آنها زنده می کند که با کم ترین دغدغه می توانند به فعالیت های خود ادامه دهند و فرزندآوری نمی تواند مانعی بر سر راه آنها باشد.

مریم رفعت جاه جامعه شناس معتقد است: زنان امروز به دلیل عدم حمایت های اجتماعی و قانونی ترجیح می دهند شاغل باشند و از این طریق هم توانمندی هایشان را تحقق بخشند و هم به یک استقلال مالی و شخصیتی دست یابند. در واقع امروزه میان تقدس نقش مادری در عمل و افکار جامعه تضاد وجود دارد.

کاهش فرزندآوری نتیجه زندگی مدرن و نان آور شدن زنان

طی سال های اخیر نقش مادری به دلایل گوناگون از جمله گرایش به مصرف گرایی، تجمل گرایی و همچنین افزایش نگرانی مادران نسبت به آینده فرزند سخت تر از سابق شده است و زنان بعد از گذشت زمان نسبتاً زیادی که از ازدواجشان می گذرد به فرزنددار شدن فکر می کنند و در نهایت نیز تمایل چندانی به داشتن بیش از یک فرزند نداشته، تربیت و بزرگ کردن آن فرزند نیز در نظرشان سخت و طاقت فرسا جلوه می کند.

صمد فدایی دبیر کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت اظهار داشت: تغییر نوع زندگی از سنتی به مدرن را از مهمترین دلایل کاهش میزان زاد و ولد دانسته، به عقیده وی در زندگی های مدرن امروزی تعداد خانواده ها کاهش یافته و اکثر والدین داشتن یک فرزند را برای خود مطلوب می دانند.

مریم زنی ست 29 ساله و مهندس کامپیوتر که پس از گذشت هفت سال از زندگی مشترک خود هنوز تصمیم به بچه دار شدن نگرفته است. وی در این خصوص می گوید: به سختی پس از فارغ التحصیل شدن توانستم کاری مناسب در یک شرکت کامپیوتری پیدا کنم به همین خاطر برای حفظ این کار بسیار تلاش کردم و حالا بسیار موفق هستم چرا باید در اوج این سال های شکوفایی حرفه ای ام، کارم را رها کنم و مشغول بچه داری شوم؟

وی ادامه می دهد: یک زن زمانی باید تصمیم به مادر شدن بگیرد که با توجه به شرایط کنونی جامعه ما، از نظر اقتصادی و مهم تر از آن روانی آمادگی کامل داشته باشد. چرا که مطمئناً فشارهای اجتماعی و اقتصادی مانع تربیت صحیح فرزند می شود و این امر اصلاً قابل پذیرش از نگاه من نیست که در هر شرایطی باید صاحب فرزند بود.

زهره امینی مجد کارشناس مسائل زنان در این خصوص اظهار داشت: در شریعت نقش قوامیت و نان آوری خانواده برعهده مرد قرار داده شده است تا مادریا فراغ بال به نقش فرزندآوری خود بپردازد. این در حالی است که زندگی مدرن زن را مانند مرد وارد اجتماع نموده و به او نیز مشکلاتی از جنس مشکلات مرد بخشیده است در این شرایط زن ناچار است مانند مرد چندین ساعت خارج از خانه باشد، این وضعیت که بخشی از آن نتیجه مدرنیته است سبب شده تا فاصله معناداری میان زمان ازدواج و زمان فرزندآوری در زنان ایجاد شود.

تأثیر فردگرایی در این امر

امینی مجد نیز فردگرایی را مقصداً اصلی ایجاد فاصله میان زمان ازدواج و فرزندآوری دانست و عنوان کرد: تجمل گرایی، مصرف گرایی و به طور کلی فردگرایی سبب سخت شدن فرآیند مادری در زنان امروزی شده است امروز یک زن گرچه مادر است اما اولویتش تامین نیازهای فردی است.

در واقع افزایش شدت احساس فقر و تجمل گرایی در زنان امروز و همچنین فردگرایی یعنی تنها توجه به خواسته های خود سبب روی آوردن آنها به الگوی اشتغال تمام وقت شده و این گرایش موجب می گردد که مضرات این الگوی رفتاری که در تمام دنیا شامل زنان شده، شامل زنان ایرانی هم شود.

از جمله این مضرات می توان به عدم خوب مادری کردن اشاره کرد چراکه این مسئله خود موجب بروز مشکلات جدی در نسل بعدی می شود و مادران از این جهت مقصرند که وضعیت زندگی مدرنیته را یک وضعیت جبری دانسته و خودشان را به این روال می سپارند و گمان می کنند که در برابر این وضعیت نمی توانند کاری انجام دهند.

ابراهیم فیاض جامعه شناس و استاد دانشگاه نیز در این خصوص به نوعی دیگر از فردگرایی زنان اشاره کرد و گفت: آنچه در حال حاضر به عنوان عدم تمایل جوانان به داشتن فرزند عنوان می شود آثار کنترل جمعیت است که این امر از 15 سال پیش قابل پیش بینی بود، چراکه کاهش نرخ رشد جمعیت برای همیشه اتفاق می افتد و نمی توان به سادگی آن را به حالت اول بازگرداند.

فیاض با تصریح این نکته که در جامعه امروز با مبحثی تحت عنوان "تغییر نگرش جنسی" مواجه هستیم، ابراز داشت: در بحث عدم تمایل زنان به فرزندآوری باید به بررسی مسائل جنسی پرداخت. در گذشته ما شاهد رابطه جنسی معطوف به خانواده بودیم و هویت جنسی مردان بیش از زنان نمود داشت اما امروز رابطه جنسی معطوف به لذت مطرح است در واقع هویت جنسی زنان برجسته شده و این امر رابطه شدیدی با فردگرایی زنان دارد در نتیجه با این اوصاف کسی زیر بار تشکیل خانواده و ازدواج نمی رود و در صورت ازدواج نیز از داشتن بچه سرباز می زند چراکه با تولد بچه از برخی جذابیت های جنسی زن کاسته می شود.

کدام یک در فرزندآوری اثرگذارتر است؟

اقتصاد نامناسب یا سیری ناپذیری در رفع نیازهای غیرضروری

آنچه در جامعه کنونی ما بسیار به چشم می خورد روند رو به رشد تجمل گرایی در زندگی های روزمره زنان است، به نحوی که این امر توانسته مهر مادری را در زنان تحت اشاعه خود قرار دهد. زنان امروز دیگر تنها برای رفع نیازهای ضروری زندگی خود به اشتغال روی نمی آورند، گرچه مدعی هستند شرایط اقتصادی حال حاضر آنها را وادار به این امر کرده و مادر شدن را برای آنها دشوار ساخته اما با کمی توجه در زندگی های پرزرق و برق آنها می توان به خوبی مشاهده کرد که مسئله اصلی آنها سیری ناپذیری در رفع نیازهای غیر ضروریشان است.

گرچه نمی توان شرایط اقتصادی برخی از خانواده ها را در فرزندآوری نادیده گرفت اما متأسفانه شواهد حاکی از آن است که اگر زنان به دنبال تجمل گرایی و مصرف گرایی مفرط نباشند شرایط نامناسب اقتصادی به تنهایی مانعی بر سر راه فرزندآوری آنها نیست چراکه آمارها نشان می دهد در خانواده هایی با شرایط اقتصادی نه چندان مناسب میل به این امر همچنان وجود دارد با توجه به اینکه در بسیاری از خانواده های غنی ما شاهد کاهش فرزندآوری هستیم که این مسئله نیز تا حدود زیادی می تواند نشأت گرفته از تبلیغات سوء رسانه های داخلی و خارجی در خصوص فرزندآوری باشد یک نمونه ساده آن جمله معروفی ست که مدام به گوشمان می خورد "فرزند کمتر زندگی بهتر"...

